



گزارش یک هادی اسماعیلی



تأمین مالی بودجه در شرایط جنگ با ابتکارات دولت صورت گرفت

مدیریت اقتصاد در شرایط جنگی با مولدسازی دارایی‌های دولتی

گذار از توقف مالیات‌ستانی به سمت تأمین درآمدهای پایدار از مسیر مولدسازی هوشمند دارایی‌ها یکی از بسترهای عبور از شرایط جنگ تحمیلی سوم بود

اقدام خزانه‌داری کل کشور در تغییر راهبرد تأمین مالی از مالیات‌ستانی به مولدسازی دارایی‌ها و فروش اوراق قرضه، یک اقدام هوشمندانه و راهبردی بود که نه تنها نیازهای فوری کشور را در شرایط جنگ تأمین کرد، بلکه کشور را از درآمدهای پایدار محروم نکرد. این اقدام، با حفظ تداوم پرداخت حقوق و تسویه بدهی‌ها، ثبات اجتماعی و اقتصادی را در شرایط دشوار حفظ کرد.



در بستر مدیریت اقتصاد جنگ، به‌ویژه در شرایطی که کشور با تهدیدات وجودی و حملات نظامی از سوی ائتلاف‌های دشمنی همچون رژیم صهیونیستی و رژیم امریکا روبه‌روست، یکی از حیاتی‌ترین چالش‌ها، حفظ پایداری منابع مالی دولت برای تداوم فعالیت‌های حیاتی است. در شرایط عادی، ساختار درآمدی دولت‌ها عمدتاً بر پایه درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی استوار است؛ اما با آغاز جنگ و تشدید تنش‌ها، این ساختار سنتی با چالش‌های بنیادین و ناگهانی مواجه می‌شود. توقف یا کاهش شدید فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی، اختلال در زنجیره‌های تأمین و تغییر اولویت‌های ملی به سمت دفاع و امنیت، منجر به کاهش موفقیت‌آمیز توجه درآمدهای مالیاتی می‌شود. این کاهش درآمد، اگر با مکانیسم‌های جایگزین مدیریت نشود، می‌تواند منجر به ناتوانی دولت در پرداخت حقوق کارکنان، تسویه بدهی‌های معوق و تداوم پرداخت یارانه‌های ضروری به مردم شود که خود می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی و

فروپاشی اعتماد عمومی منجر شود. در چنین شرایطی، وزارت اقتصاد و خزانه‌داری کل کشور با درک عمیق از ماهیت بحران، در کم‌کم که تکلیف صرف بر درآمدهای جاری و سنتی، دیگر پاسخگوی نیازهای فوری و حیاتی یک اقتصاد در حالت جنگ نیست و یک تغییر بنیادین در استراتژی تأمین مالی رخ می‌دهد. یکی از ارکان اصلی این تغییر راهبرد، حرکت هوشمندانه به سمت مولدسازی دارایی‌های دولتی است. در شرایط عادی، بسیاری از دارایی‌های دولتی، اعم از املاک، معادن، صنایع و زیرساخت‌ها، با سرعت و بازدهی معمولی مدیریت می‌شوند و سودآوری آنها در بلندمدت محقق می‌شود. اما در شرایط جنگ، دولت نیازمند نقدینگی فوری و قابل توجه برای پوشش هزینه‌های جاری و تهدیدات فوری است. در این راستا، خزانه‌داری کل کشور با رویکردی نوین، دارایی‌های راکد و نیمه‌راکد را شناسایی کرده و فرایند تبدیل آنها به نقدینگی را با سرعت و دقت بالا آغاز می‌کند. این فرایند شامل فروش اموال تملیکی، واگذاری مدیریت برخی دارایی‌ها به بخش خصوصی با شرایط ویژه و بهره‌برداری هوشمندانه از ظرفیت‌های موجود است. مولدسازی دارایی‌ها در این بافت، تنها به معنای فروش ساده نیست، بلکه به معنای بازتعریف ارزش این دارایی‌ها در شرایط خاص است. دولت با شناسایی دارایی‌هایی که پتانسیل نقدشوندگی بالا دارند، آنها را به بازار عرضه می‌کند تا نه تنها نیازهای مالی فوری را تأمین کند، بلکه با آزادسازی منابع راکد، به چرخش مجدد سرمایه در اقتصاد کمک نماید. این اقدام،



محمدعلی کاشانی، کارشناس اقتصادی: مهم‌ترین اقدام در زمینه مدیریت اضطراب مالی دولت، تمرکز بر انتشار اوراق و بزه و مجوز مولدسازی دارایی‌های راکد بود که جایگزین درآمدهای مالیاتی کاهش یافته یا متوقف شده بود

و متناسب با شرایط فعلی، توانسته است اعتماد عمومی و سرمایه‌های خرد و کلان را به سمت تأمین مالی دولت جلب کند که نه تنها ابزاری برای تأمین نقدینگی فوری، بلکه پیامی از اعتماد دولت به آینده هستند و توانایی بازپرداخت تعهدات خود را به جامعه مخابره می‌کنند. بدین ترتیب با تکیه بر این تغییر راهبرد در تأمین مالی، امکان تداوم پرداخت حقوق کارکنان دولت و تسویه بدهی‌های معوق فراهم شد. در شرایط جنگ، کارکنان دولت، به‌ویژه نیروهای پزشکی و خدماتی، نقش حیاتی در حفظ امنیت و تداوم خدمات کشور ایفا می‌کنند و تأخیر در پرداخت حقوق این قشر، می‌تواند منجر به کاهش انگیزه، افت روحیه و حتی اختلال در عملکرد دستگاه‌های اجرایی شود. با استفاده از منابع حاصل از مولدسازی دارایی‌ها و فروش اوراق قرضه، دولت توانسته است تعهدات مالی خود را به‌موقع و بدون تأخیر انجام دهد. این اقدام، نه تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک ضرورت امنیتی و اجتماعی است. پرداخت به‌موقع حقوق، پیامی از حمایت دولت از نیروهای خود و تداوم کارکرد دستگاه‌های اجرایی را به جامعه مخابره می‌کند. همچنین، تسویه بدهی‌های معوق به پیمانکاران و تأمین‌کنندگان، به چرخه تولید و خدمات کمک می‌کند و از ایجاد گلوگاه‌های جدید در زنجیره تأمین جلوگیری می‌کند. این تداوم در پرداخت‌ها، نشان‌دهنده توانایی دولت در مدیریت بحران و حفظ ثبات در شرایط دشوار است. بدون این اقدامات، کشور با خطر بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو می‌شد که می‌توانست اثرات مخرب را

تشدید کند. بنابراین، تأمین مالی پایدار از طریق ابزارهای نوین، مستقیماً به حفظ ثبات اجتماعی و تداوم کارکرد دولت کمک می‌کند.

در نهایت اقدام خزانه‌داری کل کشور در تغییر راهبرد تأمین مالی از مالیات‌ستانی به مولدسازی دارایی‌ها و فروش اوراق قرضه، یک اقدام هوشمندانه و راهبردی بود که نه تنها نیازهای فوری کشور را در شرایط جنگ تأمین کرد، بلکه کشور را از درآمدهای پایدار محروم نکرد. این اقدام، با حفظ تداوم پرداخت حقوق، تسویه بدهی‌ها و پرداخت یارانه‌ها، ثبات اجتماعی و اقتصادی را در شرایط دشوار حفظ کرد.

مدیریت اضطراب مالی به پشتوانه ابتکار در انتشار اوراق و بزه و مجوز مولدسازی دارایی‌های راکد

محمدعلی کاشانی، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «جوان»، در رابطه با اهمیت تغییر رویکرد در تأمین مالی بودجه در شرایط جنگ گفت: «جنگ تحمیلی سوم که حملات گسترده رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های اقتصادی ایران از جمله بنادر، پالایشگاه‌ها و مراکز صنعتی آغاز شد، بر درآمدهای مالیاتی دولت تأثیر گذاشت. توقف فعالیت‌بنگاه‌های تولیدی و اختلال در زنجیره تأمین، جمع‌آوری مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر درآمد و عوارض گمرکی را متوقف کرد. هم‌زمان، امریکا با تشدید تحریم‌ها، دسترسی ایران به ذخایر ارزی را محدودتر نمود. در این شرایط با توجه به کاهش درآمدهای مالیاتی باید دولت به سمت یک شیفت پارادایم جدی در حوزه تغییر

رویکرد در تأمین مالی بودجه کشور می‌رفت.» وی ادامه داد: «محور اصلی این استراتژی مبتنی بر صدور مجوزهای گسترده مولدسازی دارایی‌های راکد است. دارایی‌های راکد دولتی، شامل املاک تملیکی، اراضی بایر، ساختمان‌های نیمه‌تمام و سهام مازاد در شرکت‌ها، سالانه بیش از چند ده هزار میلیارد تومان ارزش داشتند اما عملاً راکد مانده بودند. جنگ، عملاً با صدور مجوز ویژه برای مولدسازی دارایی‌های دولت، این دارایی‌ها را به ابزاری استراتژیک تبدیل کرد.»

این کارشناس اقتصادی در رابطه با رویکرد دوم در تأمین مالی بودجه دولت در شرایط جنگی گفت: «از سوی دیگر در بحث انتشار اوراق قرضه نیز دولت به خوبی اقداماتی را صورت داد و توانست مبالغ دیگری را نیز از این محل تأمین کند تا در اسفند ماه بدون پولی کردن کسری بودجه، تمامی تعهدات خود را مبتنی بر بودجه انجام دهد و به این ترتیب بتواند بدون مشکل تأمین مالی بودجه و پرداخت حقوق‌ها را در شرایط اضطرابی انجام دهد.»

وی در پایان گفت: «مهم‌ترین اقدام در زمینه مدیریت اضطراب مالی دولت، تمرکز بر انتشار اوراق و بزه و مجوز مولدسازی دارایی‌های راکد بود که جایگزین درآمدهای مالیاتی کاهش یافته یا متوقف شده بود و از طرف دیگر درآمدهای نفتی نیز افزایش چشم‌گیری داشت که توانست در حوزه ورود کالاها، اساسی، دارو و همچنین ادوات نظامی نیز کمک‌کننده باشد و این ترتیب تمامی بدهی‌ها و همچنین حقوق کارکنان دولت به پشتوانه این تأمین مالی مناسب انجام شد.»

اقتصادگو حسام کمالی

گفت‌وگوی «جوان» با محمد جمالیان، نماینده مجلس شورای اسلامی

بانک مرکزی سریع‌تر سهمیه بانک‌ها را از وام اشتغال مددجویان ابلاغ کند

یک نماینده مجلس معتقد است بانک مرکزی برای تسریع در پرداخت وام اشتغال مددجویان علاوه بر نظارت بر اعطای این وام‌ها، باید سریعاً سهمیه و اعتبار هر بانک را برای پرداخت این وام بدهد تا هم صف وام اشتغال جمع شود و هم منابع وام اشتغال مددجویان در طرح توسعه برق خورشیدی به شکل غیرمتمرکز به کار گرفته شود.



همه‌ساله مبالغ نسبتاً خوبی در قانون بودجه برای وام اشتغال پیش‌بینی می‌شود اما وقتی این قانون به مرحله اجرا می‌رسد، مشکلات بروز می‌کند. در قانون بودجه برای سال آینده مبلغ ۱۳۰ همت برای وام اشتغال پیش‌بینی شده است. ۵۶ همت از این مبلغ در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی قرار می‌گیرد تا به عنوان وام اشتغال برای آنان اهمیت زیادی دارد. به نوبه که طی سال‌های گذشته وام اشتغال با محوریت نهادهای حمایتی در اختیار مددجویان قرار گرفته است. عملکرد مناسبی را از این روش اعطای وام اشتغال از سوی نهادهای مورد بحث در کشور شاهد بودیم. بر همین اساس، پیشنهاد شده است که نصف مبلغ اختصاص داده شده به وام اشتغال در اختیار نهادهای حمایتی قرار بگیرد تا در راستای اشتغالی برای مددجویان هزینه شود.

از آنجایی که مددجویان جزو ضعیف‌ترین اقشار جامعه به شمار می‌روند، اشتغالی برای آنان اهمیت زیادی دارد. به نوبه که مددجویان توانمند شوند و ضمن اینکه به درآمد پایداری دست پیدا می‌کنند، به کمک‌های دولتی نیازی نداشته باشند و باری از دوش دولت برداشته شود. اشتغالی برای مددجویان به لحاظ کاهش مشکلات اجتماعی ناشی از بیکاری این افراد نیز اهمیت زیادی دارد. این امر باعث می‌شود امید به زندگی خانواده‌های مددجو بالاتر برود. در حال حاضر، هزاران نفر از مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی، در صف دریافت وام اشتغالی منتظر مانده‌اند. این افراد نیازهای طولانی‌مدت خود را به بانک‌ها یا تأخیرهای چندین ماهه انجام می‌دهند. نشان‌دهنده یک زنجیره مشکلات ساختاری است. نخست آنکه تخصیص اعتبار به بانک‌ها با تأخیرهای چندین ماهه انجام می‌شود. دوم آنکه فرایند بررسی و تأیید طرح‌های اشتغالی از سوی بانک‌ها،

پوشش دارند، اختصاص سهمی از وام اشتغال به این نهادها برای عرضه به مددجویان اهمیت دارد.»

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: «در شرایطی که با کمبود منابع روبه‌رو هستیم، تخصیص دقیق منابع موضوع مهمی است. از طرف دیگر، باید مراقبت لازم به عمل بیاید که منابع دقیقاً در بخش‌های مورد نظر صرف شوند و به جامعه هدف اصابت کنند. به ویژه این موضوع اهمیت دارد که وام اشتغال در بخش‌های مولد و مؤثر اقتصادی به کار بیفتد.»

جمالیان گفت: «مددجویان نهادهای حمایتی نیاز به کمک بیشتری در زمینه اشتغالی دارند. صرف اینکه مبالغ در اختیار آنان قرار بگیرد، کارساز نیست. باید نهادهای حمایتی در کنار آنها باشند و مشاوره‌های لازم را برای شروع کسب‌وکار و ادامه آن به افراد بدهند.»

وی ادامه داد: «توانمندسازی مددجویان مزیت‌های زیادی دارد. زیرا در نهایت افراد از حمایت‌های دولتی بی‌نیاز می‌شوند و این به معنای افزایش عزت نفس مددجویان و کاهش بار مالی دولت است.»

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: «با توجه به میزان تورم در کشور، ۱۳۰ همت مبلغ کلانی برای رونق بخشیدن به اشتغال در کشور نیست. اما با توجه به شرایط اقتصادی فعلی، اعتبار قابل قبولی است و باید به دقت در بخش‌های مورد نظر به کار بیفتد.»

جمالیان گفت: «افزایش گردش سرمایه در کشور از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که دولت باید انجام دهد. این موضوع اهمیت دارد که بانک‌ها نیز به وظایف خود در حوزه تسهیلات حمایتی عمل کنند و به موقع اعتبارات را در اختیار متقاضیان بگذارند.»

وی در پایان گفت: «بنابراین بانک مرکزی به عنوان نهادی که نظارت بر نظام بانکی کشور را بر عهده دارد، می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های اعتباری هوشمندانه، جریان وام‌های اشتغال را تسریع بخشد. نخستین گام، تعیین سهمیه مشخص و زمان‌بندی شده برای هر بانک است. اگر بانک مرکزی در ابتدای هر سال مالی، مشخص کند که هر بانک تجاری و تخصصی موظف است چه میزان اعتبار را برای وام اشتغال مددجویان اختصاص دهد و این اعتبار را در چه بازه زمانی توزیع کند، هم شفافیت افزایش می‌یابد و هم پاسخگویی بانک‌ها آسان‌تر می‌شود.»



محمد جمالیان، نماینده مجلس شورای اسلامی

بنابراین بانک مرکزی برای تسریع در پرداخت وام اشتغال مددجویان علاوه بر نظارت بر اعطای این وام‌ها، باید سریعاً سهمیه و اعتبار هر بانک را برای پرداخت این وام بدهد تا هم صف وام اشتغال جمع شود و هم منابع وام اشتغال مددجویان در طرح توسعه برق خورشیدی به شکل غیرمتمرکز به کار گرفته شود.

محمد جمالیان، نماینده مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «جوان»، در خصوص لزوم اعطای به موقع وام اشتغال به مددجویان و افزایش سهم نهادهای حمایتی شامل کمیته امداد و بهزیستی، با تأکید به این موضوع که در ارتباط با اهمیت وام اشتغال و لزوم اعطای به موقع آن به متقاضیان هیچ شکی وجود ندارد، تصریح کرد: «بخش مربوط به تسهیلات حمایتی در قانون

پیچیده و زمانبر است. سوم آنکه بسیاری از مددجویان فاقد وثیقه یا ضمانت کافی هستند و بانک‌ها به دلیل ریسک بالا، تمایلی به پرداخت وام به آنان ندارند. چهارم آنکه منابع تخصیص یافته در برخی موارد به طرح‌هایی هدایت می‌شود که نه تنها اشتغال پایدار ایجاد نمی‌کنند، بلکه بازگشت اعتبار را نیز با مشکل مواجه می‌سازند. این وضعیت باعث شده است که بسیاری از مددجویان، ماه‌ها و حتی سال‌ها در انتظار بمانند و در نهایت یا از دریافت وام منصرف شوند یا به منابع غیررسمی و غیرمطمئن روی بیاورند. این در حالی است که اگر سازوکار تخصیص اعتبار تغییر کند و بانک مرکزی سهمیه هر بانک را بر اساس شاخص‌های دقیق و عملیاتی تعیین نماید، می‌توان این صف‌ها را به طرز چشمگیری کاهش داد.